لغو تحریم نفتی عراق و تأثیرات آن بر بازار جهانی نفت

برکشلی، فریدون

عراق از جمله کشورهایی است که وقایع و تحولات گوناگون مربوط به آن همواره کانون‏ توجهات بین المللی و منطقه‏ای بوده است. بخش اصلی توجهات جهانی در مورد عراق‏ در رابطه با صنعت نفت این کشور است. ذخایر اثبات شده نفت عراق نزدیک به 95 میلیارد بشکه برآورد می‏شود که احتمالا با استفاده از روشهای پیشرفته لرزه‏نگاری،این‏ رقم می‏تواند تا میزان دو برابر افزایش پیدا کند.بعضی از میدانهای نفتی عراق مانند کرکوک،رومیلا و مجنون هر یک حدود 20 میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارند.به این‏ ترتیب تنها رقبای نفتی عراق در جهان‏ عربستان و جمهوری اسلامی ایران هستند.

جنگ طولانی عراق علیه نظام نوپای‏ جمهوری اسلامی ایران به شدت به ظرفیت‏ تولید نفت آن کشور لطمه زد.در ماه سپتامبر 1980 و هنگام شروع جنگ،تولید نفت‏ عراق به 8/3 میلیون بشکه در روز رسید و پیش بینی می‏شد که در ظرف چند ماه به‏ بیش از 4 میلیون بشکه در روز افزایش یابد. لیکن تخریب ترمینالهای صادراتی عراق آن را ناچار کرد که برای مدتی طولانی سطح تولید خود را در حد یک میلیون بشکه در روز محدود نگه دارد.البته کمکها و حمایتهای‏ مالی بین المللی و کشورهای منطقه نیازهای‏ مالی عراق را تأمین می‏کرد.قبل از خاتمه‏ جنگ در سال 1988،عراق توانسته بود از طریق تنوع بخشیدن به ترمینالهای صادراتی و استفاده از خطوط لوله،تولید خود را به سطح‏ 75/2 میلیون بشکه در روز افزایش دهد. در آستانه حمله عراق به کویت در ماه اوت‏ 1990 تولید آن کشور به مرز5/3میلیون‏ بشکه در روز رسیده بود.

پیشینه تحریم نفتی عراق

به دنبال حمله عراق به کویت و متعاقبا آغاز عملیات موسوم به«طوفان صحرا»که طی آن‏ نیروهای آمریکایی و تعدادی از متحدان آن‏ نیروهای آمریکایی و تعدادی از متحدان آن‏ کشور بخشی از خاک عراق را اشغال کردند، تحریم سازمان ملل علیه عراق تحقق یافت و این کشور مطلقا امکان صدور نفت خود را از دست داد و تولید،تها در حدود 600- 500 هزار بشکه در روز جهت مصرف‏ داخلی محدود شد.البته تقریبا در تمام طول‏ تحریم عراق مقدار بسیار کمی نفت از طریق‏ کامیون به اردن صادر می‏کرد،زیرا که‏ مصرف داخلی عراق،خصوصا با توجه به‏ کاهش و یا توقف بسیاری از فعالیتهای‏ اقتصادی و صنعتی،هیچگاه بیش از 400 هزار بشکه در روز نبوده است.

مکانیزم پیشنهادی سازمان ملل متحد و آمریکا برای لغو و یا تقلیل محدوده تحریم‏ علیه عراق آن چنان یکجانبه و خفت بار است‏ که دولت عراق به مدت شش سال در مقابل‏ آن مقاومت کرد و تنها هنگامی ناچار به تسلیم‏ شد که عملا فعالیتهای اقتصادی و چرخش‏ امور مالی دولت از حرکت باز ایستاده بود. در حقیقت بر پایه فرمول مورد توافق که از آن‏ تحت عنوان«نفت در مقابل غذا»نام برده‏ می‏شود،عراق مجاز است که طی مدت‏ 180 روزمعادل 2 میلیارد دلار نفت‏ بفروشد.در حقیقت دقیقا مشخص نیست که‏ این مبلغ برابر چه میزان نفت است؛اما براساس قیمتهای جاری بازار نفت،این مبلغ‏ معادل 700 هزار بشکه نفت در روز برآورد می‏شود.

عراق هیچگونه حقی برای دریافت پول‏ حاصل از فروش این نفت ندارد،بلکه اسناد اعتباری صادرات به نام سازمان ملل صادر شده و وجه آن در حساب ویژه‏ای که توسط سازمان ملل افتتاح شده واریز می‏گردد.به‏ این ترتیب بخشی از وجوه حاصله صرف‏ هزینه‏های گوناگون سازمان ملل از ابتدای‏ عملیات نظامی تا کنون می‏شود(شامل هزینه مسافرت هیئتهای بازدیدکننده)،بخشی جهت‏ غرامت جنگی و هزینه بازسازی به کویت‏ تعلق می‏گیرد و احتمالا رقمی در حدود 500-470 میلیون دلار تحت نظارت‏ سازمان ملل تنها برای خرید مواد غذایی و دارو قابل استفاده دولت عراق خواهد بود.

در سپتامبر 1994 انتظار می‏رفت که‏ هفت عضو از پانزده عضو شورای امینت،که‏ شامل سه عضو دائمی و مهم یعنی فرانسه، روسیه و چین نیز هستند،به نفع لغو تحریم‏ عراق رأی دهند.انگیزه این سه کشور از عملیات نظامی آمریکا در منطقه حمایت‏ کردند.فرانسه حتی کمکهای نظامی و مالی‏ قابل ملاحظه‏ای در اختیار نیروهای سازمان‏ ملل قرار داد.لیکن در خاتمه جنگ،آمریکا صاحب اختیار کل منطقه شد گلوگه بیش از 65 درصد کل ذخایر نفتی جهان را که در منطقه خلیج فارس قرار دارد در اختیار گرفت.

تحولات بعدی نشان داد که تحقق‏ خواستهای شورای امنیت و سازمان ملل‏ توسط عراق تعیین کننده زمان و چگونگی لغو تحریم این کشور نیست،بلکه استنباط برداشت دولت آمریکا از تحولات منطقه‏ ضامن لغو کامل تحریم است.

آمریکا و امنیت کشورهای عرب حوزه‏ خلیج فارس

سیاست خارجی دولت آمریکا در منطقه‏ استراتژیک خلیج فارس،آن طور که رسما توسط آنتونی لیک (ekaL ynohtnA) مشاور امنیتی کلینتون بیان شده،بر پایه«مهار دو جانبه»است.آمریکا طی 5-6 سال اخیر که از تحریم نفتی عراق می‏گذرد،همواره‏ تلاش کرده که مسئله جمهوری اسلامی ایران‏ و عراق را در یک چارچوب حل و فصل‏ کند.واشینگتن می‏کوشید که طی این مدت‏ متحدان اروپایی و ژاپنی خود را متقاعد کند تا با تحریم کامل نفتی ایران موافقت کنند. هدف آمریکا بر این اصل استوار بود که ورود تدریجی عراق به بازار نفتبا حذف تدریجی‏ ایران از بازار جهانی هماهنگ گردد.بخش‏ مهمی از تأخیر سازمان ملل تحت فشار آمریکا برای به تعویق انداختن لغو تحریم‏ عراق از همین بابت بود.هنگامی که آمریکا از هم آوازی و حمایت سایر کشورهای جهان‏ با اصول و اهداف استراتژیک و امنیتی خود نا امید و دلسرد شد،به ناچار راسا اقدام به‏ تحریم نفتی ایران کرد.ولی این سیاست نیز نتیجه معکوس داد و به جز ضرر و زیان‏ شرکتهای آمریکایی نسبت به رقبای اروپایی‏ نتیجه‏ای در برنداشت.آمریکا در حال حاضر حدود 5/8 میلیون بشکه نفت خام متعلق به‏ کشورهای خاورمیانه(شامل جمهوری‏ اسلامی ایران،عراق و لیبی)را تحت تحریم‏ خود قرار داده است،لیکن اصول بازار نفت‏ و منابع ملی کشورها الزاما تابع مطامع‏ آمریکا نیست.

اثرات بازگشت عراق به بازار نفت

به طوری که گفته شد،بازگشت عراق به بازار محدود است و صدور روزانه 700 هزار بشکه نتف خام آن تأثیر مهمی بر قیمت نفت‏ بر جای نخواهد گذارد.سهمیه جمعی دوازده‏ کشور عضو اوپک طی دو سال و نیم اخیر به‏ میزان 52/24میلیون بشکه در روز ثابت‏ مانده است.لیکن با توجه به تخلف برخی از اعضای اوضک که ونزوئلا در رأس آنان قرار دارد،میزان واقعی تولید را به حدود 26 میلیون بشکه در روز رسانیده است. با توجه به افزایش تقاضای جهانی نفت در حد 3/1-5/1 میلیون بشکه در روز و عدم‏ پیش بینی افزایش مهمی در تولید کشورهای‏ غیر عضو اوپک،واکنش بازار به بازگشت‏ عراق به بازار منفی نخواهد بود.در حقیقت‏ خطر جدی بازگشت عراق به بازار جهانی‏ بستگی به زمان و شرایط لغو کامل تحریم‏ دارد.چنانچه لغو کامل تحریم در طی کمتر از یک سال آینده به وقوع بپیوندد که مورد تردید است،بازار با مازاد عرضه مواجه‏ خواهد شد؛زیرا عراق قادر است با تولید روزانه 2 میلیون بشکه در روز وارد بازار شود و سپس در کمتر از 12-9 ماه به سطح تولید بیش از 3 میلیون بشکه در روز به پیش رود. لیکن ادامه بازگشت تدریجی عراق به بازار، به شیوه‏ای که از ماه آینده آغاز خواهد شد، فاقد تأثیرات چندانی بر بازار نفت است.

خطر به مراتب جدیتر برای لغو تحریم‏ نفتی عراق،این است که دولت عراق‏ بکوشد برای جبران عقب ماندگی چند ساله‏ خود در وضعیت نفت با شرکتهای بین المللی‏ قراردادهای یکجانبه،نظیر قراردادهای از نوع مشارکت تولید (gnirahS-noitcudorP) ،امضا کند.زیرا چنین قراردادهایی که مربوط به دهه‏های‏ 1940 و 1950 میلادی است،عملا مالکیت‏ کشور میزبان را بر منابع و مخازن نفتی خود خدشه‏دار می‏سازد و تلاشها و مجاهدتهای‏ فراوانی را که طی دهها سال کشورهای‏ نفت خیز جهان سوم و خلیج فارس برای‏ حفظ و صیانت از منابع نفتی خود به عمل‏ آورده‏اند در معرض خطر خواهد داد.